مروری بر وقایع نوروزی در خلال سال‌های دفاع مقدس

عیدی بعثی‌ها به ملت ایران تجاوز و غارتگری بود!

غلامحسین بهبودی

فروردین در سال‌های دفاع مقدس، ماه شلوغی بود! تقریباً از فروردین اولین سال پیروزی انقلاب بعثی‌ها اختلافات مرزی خود با ایران را به صحنه عمل کشاندند و نشان دادند قصد دارند از نوپایی نظام اسلامی به نفع خود بهره‌برداری کنند. در حالی که چند روز تا آغاز سال نو باقی نمانده است، نگاهی بر اتفاقات نوروزی در دفاع مقدس می‌اندازیم.

اولین فروردین انقلاب

فروردین ماه ۱۳۵۸ بود که روزنامه کیهان از تجاوز جنگنده‌های بعثی به آسمان خوزستان خبر داد. این مورد را باید از اولین تجاوزهای ارتش بعث عراق بدانیم که شروعی بر تجاوزهای پی در پی این کشور تا آغاز رسمی جنگ تحمیلی شد. فروردین اولین سال پیروزی انقلاب گذشته از آنکه پرده از نقاب همسایه غربی کشورمان برداشت، ماه آغاز اغتشاشات در مناطق مرزی کشور توسط ضدانقلاب و جدایی‌طلب‌ها نیز بود. در کردستان که تنها هشت روز پس از پیروزی انقلاب پادگان مهاباد سقوط کرده بود، ضدانقلاب در فروردین ماه ۵۸ یک رژه بزرگ انجام داد تا قدرت خود را به رخ جوانان انقلابی بکشاند. ۲۲ فروردین شروع آشوب‌ها در سیستان و بلوچستان رقم خورد و همچنین آبادان شاهد ایجاد درگیری توسط خلق عرب بود.

نوروز ایذایی!

دقیقاً اولین روز از شروع سال ۱۳۶۰ مصادف با انجام عملیات ایذایی در منطقه عمومی کردستان به فرماندهی مشترک سپاه و ارتش بود. روز یکم فروردین ماه رزمندگانی که در محور مریوان- ارتفاع قوچ سلطان حضور داشتند، انتظار شروع عملیاتی را می‌کشیدند که به جای حضور در سفره هفت سین آنها را آماده بزم آتش و گلوله و خون کرده بود. جبهه ایران می‌رفت تا پس از غافلگیری اولیه در جنگ، با عملیات ایذایی و محدود، دشمن را به جنگی فرسایشی بکشاند و آمادگی خود را بازیابد. تعطیلات نوروز سال ۶۰ تا چهاردهم فروردین شاهد پنج عملیاتی ایذایی در جبهه‌های غرب، جنوب و شمالغرب بود.

عیدی فتح‌المبین

بزرگ‌ترین اتفاقی که فروردین ماه در هشت سال جنگ به خود دید، آغاز عملیات فتح‌المبین از بامداد دومین روز از نوروز ۱۳۶۱ بود. رزمندگانی که آن روزها در شمال خوزستان جمع شده بودند، از بامداد ۱۳۶۱/۱/۲ با رمز یازهرا(س) عملیات بزرگ و گسترده‌ای را برای آزادسازی زمین‌های شمال خوزستان و جنوب ایلام آغاز کردند. پیش از آن طی عملیات ثامن‌الائمه(ع) و طریق‌القدس ابتدا حصر آبادان شکسته و سپس شهر بستان تا نواحی مرزی چزابه آزاد شد، اما فتح‌المبین که اهداف بزرگی را نشانه رفته بود، در زمان خود یک عملیات بی‌نظیر به شمار می‌رفت. فتح‌المبین چون عیدانه‌ای تقدیم ملت ایران شد و با آزادسازی ۲هزار و ۵۰۰ کیلومتر از مناطق اشغالی کشورمان و اسارت چیزی حدود ۱۱ هزار نفر از نفرات دشمن، ضربه سهمگینی به پیکر ارتش بعث عراق وارد کرد.

نبرد با موانع در فروردین سال ۶۲

بعد از فتح‌المبین باید عملیات والفجریک را دومین اتفاق بزرگی بدانیم که در فروردین ماه انجام گرفته است. در زمستان سال ۶۱ که والفجر مقدماتی در منطقه جنوب فکه صورت گرفته بود، اهداف مورد نظر محقق نشدند، لذا قرار شد عملیات والفجر مقدماتی در ۲۱ فروردین ماه سال ۶۲ در شمال فکه انجام گیرد، اما این عملیات نیز به دلیل استفاده گسترده دشمن از انواع موانعی چون سیم خاردار، مین و کانال‌های عریض و طویل موفقیت چندانی کسب نکرد. والفجریک با شعار آتش به جای خون انجام گرفت و از روش‌های کلاسیک برای نفوذ به خطوط دشمن بهره برد.

دفاع متحرک عراق

بعد از والفجریک رزمندگان کشورمان دیگر عملیات چندانی در فروردین ماه انجام ندادند الا اینکه در فروردین سال‌های ۶۳ و ۶۴ عراق به بمباران شهرهای کشورمان پرداخت تا از فشار رزمنده‌ها در جبهه‌ها بکاهد، اما پس از عملیات والفجر۸ در زمستان سال ۶۴ و تصرف شبه جزیره فاو توسط نیروهای کشورمان عراقی‌ها تصمیم گرفتند استراتژی دفاع متحرک را در پیش گیرند و با حملات محدود اما برق‌آسا، نیروهای کشورمان را مشغول دارند. این استراتژی می‌خواست مانع از انجام عملیات بزرگ دیگری چون والفجر۸ شود که با عملیات کربلای ۴ و ۵ این استراتژی دشمن شکست خورد.

> روز یکم فروردین ماه رزمندگانی که در محور مریوان- ارتفاع قوچ سلطان حضور داشتند، انتظار شروع عملیاتی را می‌کشیدند که به جای حضور در سفره هفت سین آنها را آماده بزم آتش و گلوله و خون کرده بود. جبهه ایران می‌رفت تا پس از غافلگیری اولیه در جنگ، با عملیات ایذایی و محدود، دشمن را به جنگی فرسایشی بکشاند و آمادگی خود را بازیابد

فروردین آخرین سال جنگ

فروردین ماه سال ۶۷ ماه شگفتی‌ها بود. عراق که رفته‌رفته ارتش خود را به تسلیحات جهانی مجهز کرده بود، از آخرین روزهای فروردین سال ۶۷ ضد حملات سنگینی را آغاز کرد. ابتدا فاو را در ۲۸ تا ۳۰ فروردین مورد هجوم قرار داد و بازپس گرفت. سپس تا تیرماه همین سال اغلب نقاطی را که کشورمان به مرور از او فتح کرده بود پس گرفت، اما همانطور که در تاریخ خوانده‌ایم با شکست نیروهای دشمن در عملیات سرنوشت و سپس شکست منافقین در مرصاد، سال‌ها ایثار و مقاومت رزمندگان کشورمان با نصرت و پیروزی به پایان رسید.

سیب سفره هفت سین را به قیمتی گزاف خریدیم

مجتبی جعفری از رزمندگان و آزادگان دفاع مقدس در آخرین سال جنگ به اسارت دشمن بعثی درمی‌آید. جعفری خاطره اولین تحویل سالش را در اسارت به یاد دارد که در ادامه آن را می‌خوانید.

سال ۱۳۶۸ در اردوگاه ۱۹ تکریت عراق، ما هشت ماهی است که اسیر هستیم و اولین عید اسارتی ماست و برایمان خیلی سخت است، مخصوصاً من که با برادرم آنجا اسیر بودیم و برای دیگران که ما دو تا را با هم می‌دیدند این عید خیلی سخت قابل تحمل بود. لذا گفتیم چه‌کار کنیم که بچه‌ها این حالت غمزده و غمناک را نداشته باشند.

ما در نانوایی کار می‌کردیم، با پولی که عراقی‌ها به عنوان حقوق اسارتی به ما می‌دادند و حقوقش هم کم بود به عراقی‌ها گفتیم یک مقدار برای ما وسایلی مثل روغن و شکر و اینها بیاورند و شروع کردیم یک چیزی من‌درآوردی به نام گوشفیل درست کردیم که مزه شیرینی و روغن داشته باشد و یاد عید را آن سال در ذهنمان زنده نگه دارد.

اما سال ۱۳۶۹، سال دومی که نوروز را در اسارت بودیم، به عراقی‌ها گفتیم که اگر ممکن است برای ما سین‌های هفت‌سین را تهیه کنند و بیاورند.

گفتند: «چی بیاوریم؟» گفتیم: «سیب بیاورید.» گفتند: «مثلاً اگر از ما شمش طلا بخواهید برایتان بیاوریم شاید راحت‌تر باشد تا سیب، سیب در عراق پیدا نمی‌شود.» گفتیم: «به هر حال ما پول داریم، هر چقدر می‌شود شما از این پول تهیه کنید و سیب را بیاورید.»

برای هر آسایشگاه تقریباً ۶۰ نفره ما دو عدد سیب آوردند. هر سیب را یک دینار عراقی که آن موقع فکر کنم نزدیک به ۲۰۰ تومان ما بود حساب کرده بودند. یعنی این سیب قیمت بسیار بسیار بالایی داشت. این سیب را با سین‌های دیگر در سفره گذاشتیم و مراسم سال تحویل را انجام دادیم. حالا من مقسّم این سیب‌ها هستم که هر سیب را طوری تقسیم کنم که به ۳۰ نفر برسد. بسیار سخت بود که در اسارت بتوانم این سیب‌ها را که درشت هم نبود، تقسیم کنم.

خاطره‌ای نوروزی
در گفت‌وگوی «جوان» با یک رزمنده دفاع مقدس

بهار را در وجود حسین دیدم

علیرضا محمدی

رضا حسنی‌پور از رزمندگان دفاع مقدس خاطره یکی از دوستان و همرزمانش را برای ما تعریف کرده است که مناسب حال و هوای نوروز است. روایت ایشان را پیش‌رو دارید.

ما در کوچه‌مان یک پدر و پسر داشتیم که در ظاهر مثل کارد و پنیر بودند. پسر همسایه که حسین نام داشت بچه شلوغی بود و گاهی که با پدرش دعوا می‌کرد، نردبان می‌گذاشت و به پشت‌بام خانه ما می‌آمد و شب‌ها را آنجا به صبح می‌رساند. یکبار پدرم متوجه شد و همان نیمه‌های شب حسین را مجبور کرد جور و پلاسش را از پشت‌بام ما جمع کند و برود. بعد از انقلاب حسین که سه سال از من بزرگ‌تر بود، تغییرات زیادی کرد. در بسیج پست می‌داد و فعالیت می‌کرد. تا جنگ شروع شد، عزم رفتن کرد. زمستان سال ۵۹ بود که حسین برای اولین‌بار به جبهه اعزام شد و فروردین ماه برگشت. ایام عید بود که دیدم با پدرم دارد حرف می‌زند. نزدیک‌شان رفتم و شنیدم که دارد از حال و هوای جبهه می‌گوید. حسین وسط حرف‌هایش مرتب بغض می‌کرد و حرفش را می‌خورد. پدرم از حالات حسین منقلب شده بود. بعد از رفتنش، بابا گفت: جبهه عجب جایی است که این پسر را آدم کرد!

من آن روز، بهار را در وجود حسین دیدم. واقعاً احوالش نو شده بود و شاید بهتر از هر کس دیگری معنی واقعی نوروز را درک می‌کرد. هنوز تعطیلات تمام نشده بود که حسین به منطقه برگشت و چند روز بعد خبر رسید به شهادت رسیده است. روز تشییع جنازه‌اش مصادف با ۱۳ فروردین بود. فقط سه سال قبل سیزده بدر با حسین رفته بودیم مردم‌آزاری و روی کسانی که به پارک رفته بودند آب می‌پاشیدیم و فرار می‌کردیم، اما انقلاب تحولی روحی در حسین پدید آورد و او را در مقدس‌ترین میادین نبردی که تاریخ به خود دیده است، شهید کرد. حسین معنی نوروز را یافت و مقلب‌القلوب شد.

گزارش

سال نو در اسارت با رنگ و بوی دیگری تحویل می‌شد

سفره خلاقانه هفت‌سین آزادگان پر از عشق و صفا بود

احمد محمدتبریزی

وقتی صدای گام‌های بهار در گوش طبیعت می‌پیچد شوری وصف‌ناپذیر سراسر وجود آدمی را فرامی‌گیرد. آدمی با بهار دوباره متولد می‌شود و دوست دارد این تولد را آزاد و رها در کنار عزیزانش سپری کند. سخت و دشوار است وقتی بهار نرم‌نرمک از راه برسد و آزادی بودن در طبیعت و بودن در کنار خانواده را نداشته باشید. هنگامی که تیک تاک عقربه‌های ساعت در آخرین ساعات پایانی سال خبر از تحویل سال جدید می‌دهند و شروع بهار را جشن می‌گیرند دردناکترین حس بودن در چارچوب اسارت است. دوری از میهن و خانواده هنگام لحظه تحویل سال برای آزادگان دلتنگی فراوانی به همراه می‌آورد، اما آنها مانند تمام لحظات دیگر اسارتشان از هر تنگنا یک فرصت برای زدودن دل از غم و ناراحتی ایجاد می‌کردند. آزادگان در روزهای اسارت در شرایطی قرار داشتند که هنگام نو شدن سال، هیچ خبری از سفره هفت‌سین و تنگ بلور ماهی نبود. جمع شدن خانواده، دادن و گرفتن عیدی و تفالی بر فال حافظ در حد یک رؤیا بود. اسرای ایرانی آدم‌هایی نبودند که در روزهای اسارت در رؤیا سیر کنند و بخواهند دست روی دست بگذارند و کاری نکنند. پس خیلی زود دست به کار شدند تا از کمترین امکانات هنگام تحویل سال که توانسته بودند سبزه را در آن شرایط سخت سبز کنند، پس تهیه دیگر سین‌های سفره هفت سین کار چندان سختی نبود. آنها برای کامل کردن سفره هفت سین‌شان باید فکر بکری می‌کردند. فکر بکری که گاهی سفره هفت سین را اینگونه تشکیل می‌داد: سنگ، سنجاق، سیگار، سیم خاردار، سرکه، سیب و نقاشی‌ای از سنجد. بعضی سال‌ها اگر شانس به آنها رو می‌کرد، می‌توانستند چند سین دیگر را به طرق مختلف تهیه کنند و اگر نمی‌توانستند به همین سفره هفت سین قناعت می‌کردند. جای سفره هم پتویی را پهن می‌کردند و سفره هفت سین خلاقانه‌شان را رویش می‌گذاشتند. این سفره هفت سین ساده‌ترین و در عین حال باصفاترین سفره‌ای بود که شکل گرفته بود. برای هر سینش زحمات بسیاری کشیده بودند و ارزش فراوانی برایشان داشت. در کنار تهیه سفره هفت‌سین تمیز کردن آسایشگاه و تزئین کردن دیوارها کار دیگری بود که آنها را از محیط یکنواخت اسارت خارج می‌کرد. با زرورق سیگار و کاغذهای رنگی به دیوارهای خاکستری آسایشگاه کمی جان می‌دادند. آنها که خیلی با ذوق و سلیقه بودند کارت تبریک درست می‌کردند و هدیه می‌دادند. روی دیوار با خط‌هایی نه‌چندان درشت آیه‌هایی از قرآن یا احادیثی از امامان می‌نوشتند. اگر شانس یاری‌شان می‌کرد و در آسایشگاه سربازی شیعه به پستشان می‌خورد کارشان خیلی راحت‌تر می‌شد. در غیر این صورت ممکن بود همه چیز لو برود و اولین روزهای سال با تنبیه و شکنجه‌ها به سخت‌ترین روز سال تبدیل شود.

> هنگام تحویل سال همه آزادگان دور پتوی هفت‌سین جمع می‌شدند، به دعا می‌پرداختند و روی همدیگر را می‌بوسیدند. باید مراسم تحویل سال نو را با کمترین سروصدا انجام می‌دادند؛ چراکه به محض فهمیدن تنبیه‌های سختی در انتظارشان بود

هنگام تحویل سال همه آزادگان دور این پتو جمع می‌شدند، به دعا می‌پرداختند و روی همدیگر را می‌بوسیدند. باید مراسم تحویل سال نو را با کمترین سروصدا انجام می‌دادند؛ چراکه به محض فهمیدن تنبیه‌های سختی در انتظارشان بود. پس دید و بازدیدهای آزادگان در اردوگاه شروع می‌شد و اسرا به آسایشگاه‌های مختلف سر می‌زدند و بدین شکل دید و بازدیدهای نوروزی را انجام می‌دادند. گاهی اوقات که شرایط مساعد بود در ایام عید به برنامه‌های فرهنگی مثل سرودن و خواندن شعر و اجرای تئاتر می‌پرداختند.

آزادگان با اینکه در اسارت دور از خانواده و وطن بودند، ولی آمدن بهار و نوروز آنها را به تکاپو می‌انداخت. همین تکاپو حال و هوای اردوگاه و رزمندگان را عوض می‌کرد و باعث می‌شد تا اسارت رنگ و بوی دیگری بگیرد. آنها نمی‌توانستند آزادانه عید نوروز را جشن بگیرند، ولی همان دورهم جمع شدن لحظه تحویل سال برایشان پر از معنا و مفهوم بود. آنها با وجود تمام سختی‌ها از لحظاتشان با امکانات حداقلی نهایت استفاده را می‌بردند و بهترین لحظات را می‌ساختند. همین روحیه اجازه نداد تا ناامیدی و افسردگی بر آنها غلبه کند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی‌فر | شماره ۵۶۱۷

از راست به چپ

۱- عضله- استاد بزرگ ملاصدرا ۲- پژمرده- تاج گل- او- ورزش هندوها ۳- مخلوط آب و مواد شوینده- جایزه مقام سوم- پهلوان- مزه اسید ۴- موج- گردهمایی- اسب تبریزی ۵- شیر اول زائو- ابزار باغبان- همراه تب ۶- نوعی رنگ مو- نشاط- پایتخت کشور مالی ۷- سوره نودم قرآن- ستاره- از وسایل پذیرایی- رود آرام ۸- ایالت- از شهرهای استان سیستان و بلوچستان ۹- بازی محلی- کرگدن- نسخه تدوین نشده فیلم- خانه ۱۰- نویسنده کتاب عظیم تاریخ تمدن- سوراخ شکم- هر یک از اخلاط چهارگانه(صفرا، بلغم، خون، سودا) ۱۱- کاشف آبله- دوست- توان و قدرت ۱۲- رفوزه- اندازه متوسط در پوشاک- از گازها ۱۳- مسافت گلوله- مرغابی- طی طریق عرفانی- کوچک ۱۴- برقرار و دایر- دشمن سخت- علامت سوختگی- غنچه صورت ۱۵- کشور هراره- متخصص تعمیر خودرو

از بالا به پایین

۱- صابون خیاطی- هنرپیشه «یک گزارش واقعی» به کارگردانی داریوش فرهنگ ۲- شهری در آذربایجان شرقی- آبکی- رودی در چین- شهرآورد ۳- شعور- مادر لر- ردیف بافتنی- تله صیاد ۴- تیر پیکاندار- سگ بیمار- نوعی مالیات- خرس آسمانی ۵- مایع اتصال- اتاقک دربسته فلزی برای حمل اجناس ۶- کجای آذری- نوعی روش درمانی سنتی ایرانی- گفتار، نوشته ۷- از دانه های روغنی- قربانگاه حاجیان- عنصر شیمیایی- ورزش یک رقمی ۸- آب صاف و گوارا- از وزرای سابق امریکا ۹- از اقمار مشتری- برگ برنده- گیاه صابون- شیرینی لوله‌ای ۱۰- سرکرده- راندمان کار- نویسنده انگلیسی لبه تیغ ۱۱- نمای دور در فیلمبرداری- بخیه لباس ۱۲- حرف خطاب- از پیامبران- پلاستیک اسفنجی سبک- نت میانی ۱۳- درگذشت- به دنیا آوردن- دور دهان- ترشح آب ۱۴- آش آرد- عدد رمزی- لوله خونی- رام و مطیع ۱۵- داستانی از ارنست همینگوی نویسنده امریکایی- مدافع فوتبال

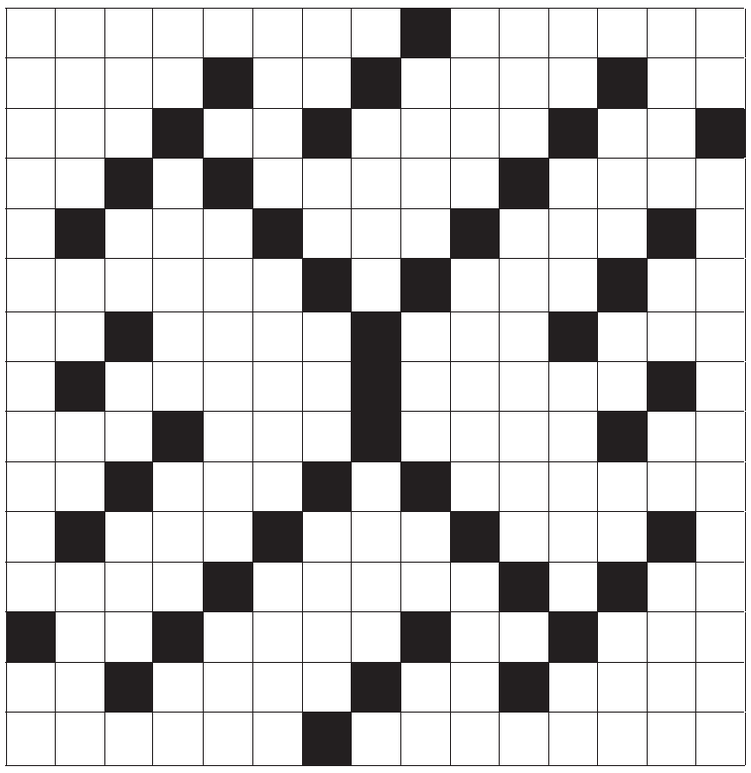

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

	۳					۲		۶
	۵			۱				
		۴	۳	۶				۸
۲			۴					
		۸				۴	۳	
	۹		۸				۲	
۳	۴				۷	۵		
۷					۸			
					۱	۷		

جدول کلمات متقاطع

پاسخ جدول شماره ۵۶۱۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ا	د	ع	ا	ی	ش	ر	ف	■	م	ی	ک	ر	و	ب
۲	ی	ا	م	■	ک	ا	ر	ت	و	ن	■	م	چ	ر	ا
۳	س	ل	■	ه	ا	ر	■	ا	ی	و	ب	■	م	د	د
۴	ل	■	چ	ا	ن	ب	ی	■	ت	ا	ل	م	■	ا	ی
۵	ن	ک	و	ل	■	ن	و	د	ا	ل	■	ر	ی	ن	گ
۶	د	ی	ا	ن	ا	■	ن	ی	م	■	ا	ز	ل	■	ا
۷	■	ا	ن	د	ل	س	■	م	ی	ا	ن	ه	■	س	ر
۸	ک	ر	ی	■	ب	ی	ا	■	ن	ف	س	■	ک	و	د
۹	و	ا	■	ت	ر	ا	ش	ه	■	ت	ا	گ	و	ر	■
۱۰	ر	■	ر	و	ز	■	م	ش	ت	■	ن	ی	ر	ی	ز
۱۱	ن	پ	ا	ل	■	ز	ی	ت	و	ن	■	ت	ا	ه	ل
۱۲	و	ی	■	پ	ر	ن	ز	■	پ	ا	د	ا	ش	■	ا
۱۳	م	ک	ر	■	ه	پ	ا	ک	■	ق	و	ر	■	م	ل
۱۴	ت	ر	ی	ا	■	ق	ز	ل	ا	ل	ا	■	ر	س	ی
۱۵	ر	ه	گ	ی	ر	ی	■	ن	د	ا	م	ت	گ	ا	ه